



- معرفه و نکره یک ویژگی صرفی (جزئی) محسوب می شود و فقط در مورد اسم که مورد بررسی قرار می گیرد و اصلاً در مورد فعل و معرفه مطرح نمی شود از بین اسم فقط ۶ دسته آنها معرفه اند و بقیه اسم که همگی نکره اند بنا بر این اسم که همگی نکره اند مگر عربی که در زیر بیان می شوند: ضمایر - اشاره - موصول - ال دار (ذ ۱۴) - علم - اضافه

**قرآن علم نیست!!** همای ضمایر تمامی له له همای اسم ال اشاره موصول

چند فارسی باشند و چه عربی علم

اسم علم: اسم که خاص و اسم که بی که برای شنود کاملاً مشخص باشند را علم می گوئیم. مهمترین آنها: اسم که ای اشیا - شهر کشور - مکان های خاص و ... الله مهمترین اسم علم است - اسامی علم ال نمی گیرند نشاندهی معرفه بر روی یک اسم

**تذکره:** بدانند یک اسم معرفه فقط به یک علت می تواند معرفه باشد بنا بر این نشاندهی معرفه با هم روی یک اسم نمی شود (نمی شنید) بنا بر این اسمی که ال گرفتند باشند علم یا سایر موارد معرفه محسوب نمی شود.

\* در مورد دستوری اول معارف در عربی سال اول دبیرستان توضیح داده ایم.

معرفه به اضافه: زمانی که یک اسم نکره به یک اسم معرفه اضافه کرد و آن اسم نکره تحت تاثیر اسم معرفه، معرفه می گردد که به این نوع معرفه، معرفه به اضافه می گوئیم.

یعنی یک اسم نکره مضاف برای یک اسم معرفه باشد.

Ex (أهم خدمات علمی) ← اسم معرفه داریم.

معرفه به اضافه معرفه به اضافه معرفه به اضافه معرفه به اضافه معرفه

Ex (کتاب علی) معرفه به اضافه علم

Ex (سبیل الله) معرفه به اضافه علم

**تذکره:** در حل تست که معرفه و نکره اکثر اوقات به ترکیبات اسمی یا رنجیره های اسمی می رسمیم که تشخیص آنها خود یک مهارت بسیار مهمی است. رنجیری اسمی: هرگاه چند اسم در زبان عربی پشت سر هم بیایند که در فارسی معنی آنها با کسره بهم وصل می شود آنها را یک رنجیره اسمی می گوئیم در یک رنجیره اسمی یا همی اسمی که معرفه اند یا همی اسمی که نکره اند لذا ابتدا باید بتوانیم رنجیره اسمی را تشخیص دهیم و سپس در مورد معرفه و نکره بودن آن بحث کنیم برای پیدا کردن رنجیره اسمی اسمی که پشت سر هم را ادامه می دهیم تا جایی که رنجیره اسمی متوقف شود نوجه

← رنجیره اسمی به وسیله یک حرف یا یک فعل یا یک اسم معرفه (معرفه بذات) و یا یک اسم نکره که به رنجیره هیچ ربطی ندارد متوقف می شود معرفه یا نکره بودن یک رنجیره اسمی به اسم آخر رنجیره وابسته است بدین معنا که اگر اسم آخر رنجیره معرفه باشد همی اسمی که رنجیره معرفه می گردند و اگر اسم آخر رنجیره نکره باشد همی اسمی که رنجیره نکره می گردند

- همواره یک رنجیره اسمی با یک اسم نکره آغاز می شود و با اسمی که نکره ادامه پیدا می کند

\* معارف ی بود از طلبه: ضمیر موصول اشاره ذ ۱۴ علم اضافه



نکات تکمیلی اعراب فُری :

عطشان - غضبان - کسلان و ...

مختلأ ← غیر منصرف ✓ ← مجرور ← اعراب فُری

جمع مذکر سالم ← غیر منصرف ✓ ← مجرور ← اعراب فُری

- رایت مسالین ① ← مفعول منصرف ← امر

- سلمت علی المسالین ① ← مجرور به فتنه ← فُری

ال بکیر ← مجرور ← اعراب امر عملی

\* اسکر غیر منصرف در حالت مجرور ← اعراب فُری ← مجرور به حال

- الی مناطق ① ایران ② مختلف مناطق (مجرور) ملاحظت غیر منصرف مجرور به ظرف (الله) صفت مجرور اصلی اصلی

- الی مکه ① المکرمین ← اعراب آن با اعراب مکه (مجرور) ملاحظت مجرور غیر منصرف مجرور به ظرف که صفت فُری

انفال ناقص مرفوع  
کان مسلمون ① یهاجمون ② فعل

منسوب ← چون گزینند فعل هستند فعل هم میف با کنند کار آید ← جمع مذکر اسم اسم فان خیرکان

(۱) مقصور (آ) ← دنیا - کبری

(۲) محدود : (ع) (زائد) ← حواء - زهداء - همداء ← ماء - انشاء ← محدود X

(۳) منقوص : (ای) ← البتة - ی ← هادی ساعی - قاضی - مکتدی - لیلی و ...

(۴) صریح الآخر : بجز ی در سطر بالا ← کتاب - ماء - علی

بررسی اسم از لحاظ تلفظ انتها

### اعراب تقدیری

- علی - قوی - وصی - نبی ← منقوص X
- اسلامی - ایرانی (منسوب) ← منقوص X
- فوی - ظبی - سنی ← منقوص X

اعراب تقدیری: برای اسم که نمی توانند اعراب اصلی (ی) بگیرند و قدر داری هم در کار نیست! ← کلمه آخرش هیچی نمی گیره \*

(۱) اسم اول جمله ← مبتدا (مرفوع)

(۲) فعل + اسم ← اسم بعد از فعل ← مجرور X

(۳) فعل صیغه ماضیه ← فعل صیغه ماضیه ← فاعل (مفعول) ← منسوب

(۳) فعل صیغه مضارع ← فعل صیغه مضارع ← فاعل و نائب فاعل ← منسوب

العینا مزرعة الاخيرة

مبتدا (تقدیری) ← مقصور مرفوع

نکات ۳ گانه  
شوماخر

می توانند اعراب اصلی را بگذارند یا نه!!  
اسم بان

(Ex) بان الهندی ← مقبول ← اصل (منسوب)

(Ex) الراهبی عن نفسه ← مقبول ← اصل (منسوب)

(Ex) الجاهل من اتبع الهوى ← مقبول ← اصل (منسوب)

(Ex) سلمت علی الفتی ← مقبول ← اصل (منسوب)

حالات اعرابی	مرفوع	منسوب	مجرور
اسم مقصور	✓	✓	✓
اسم منقوص	✓	✓	✓
اسم + ی متکلم که اعراب اسم تقدیری است	✓	✓	✓

جدول اعراب تقدیری

\* هر اسمی در جمله باید یکی از ویژگی های اسم را بپذیرد ← ال داشته باشد (۷) تنوین بگیرد (۳) مضاف واقع شود.

حالات اعرابی	منسوب اصل	مرفوع تقدیر
القافی ← ال	القافی	القافی
قافی المتبوع ← مضاف	قافی المتبوع	قافی المتبوع
قافی ← تنوین	قافياً	قافی - قافی

بررسی اسم منقوص

\* هرگاه اسم منقوص بخواد در حالت تقدیری تنوین بگیرد قطعاً ی آن باید حذف شود و در هر ۲ حالت (مرفوع - مجرور) می گیرد ← قافی ← قافیا ← قاض

\* هرگاه اسم منقوص (ی) آخرش حذف شده باشد نوع اعرابش

۱۰۰٪ تقدیری است. (Ex) كلکم راعاً وكلکم مسؤول عندا ← مقبول ← اصل (منسوب)

۱۰۰٪ تقدیری است. (Ex) سلمت علی موسی ← مقبول ← اصل (منسوب)

۱۰۰٪ تقدیری است. (Ex) سلمت علی موسی ← مقبول ← اصل (منسوب)

تلفیق اعراب فرعی و تقدیری: هرگاه در اعراب کلمه ای شک کنیم که آیا اعراب آن فرعی یا تقدیری است؟

همواره اعراب آن تقدیری است مگر در ۲ حالت: اسم جمع مذکر سالم / اسم مشتق

(Ex) سلمت علی موسی ← مقبول ← اصل (منسوب)

مقبور ← تقدیری

معلمی + ی ← معلمی ← تقدیری  
مرفوع - فرعی

اسم مذكر سالم جمع (Ex)

معلمین + ی ← معلمی ← ۱۰٪ فرعی چون صدای (این) در آغوش نیست! که بخواد تقدیری شود یانه.  
منصوب یا مجرور فرعی ← برای فهمیدن منصوب یا مجرور بودن به نقش آنها در جمله توجه کنیم

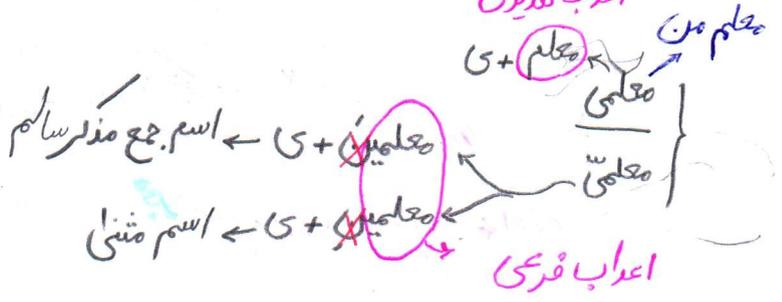
صدیقای + ی ← صدیقای ← این ۲۰۰۰ نفر هم اند از بجا فوق آنها را تشخیص دهیم؟! برای فهمیدن اینکه کدام یک مرفوع - فرعی  
جمع مذكر سالم و کدام اسم صفتی است به ضمایر در جمله توجه کنیم اگر جمع بودند جمع مذكر سالم اگر صفتی بودند اسم صفتی.

(Ex)

صدیقین + ی ← صدیقین ← ۱۰۰٪ فرعی چون صدای (این) در آغوش نیست! که بخواد تقدیری شود یانه.  
منصوب یا مجرور فرعی ← برای فهمیدن منصوب یا مجرور بودن به نقش آنها در جمله توجه کنیم

اسم صفتی

اعراب تقدیری



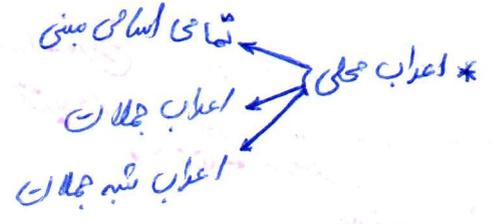
أخ و آب ← اخو - اخا - اخي مرفوع فرعی  
منفرد (مضاف): ابو - ابا - ابي

صفتی: اخوان - اخوان مرفوع فرعی  
ابوان - ابوان منصوب و مجرور فرعی

أخ و آب

جمع مکسر: اخوان - اخوة - آباء  
اعراب اصلی

أخ و آب + ی: ابوی - ابای - ابی  
اخوی - اخای - اخي  
هدیه ۳ اعراب  
راشنا صل مشهور





ترجیحی اسمی: وقت کند اگر چند اسم پشت سر هم بیایند برای تشخیص مضاف و مضاف الیه بودن آنها به شیوه زیر عمل می کنیم  
 (ابتدا از اسم اول شروع می کنیم و موارد ممنوع المضاف را در مورد اسم اول بررسی می کنیم. اگر اسم اول مورد ممنوع المضاف  
 را رعایت کرد یعنی اسم دوم مضاف الیه است پس به سراغ اسم دوم می رویم اگر اسم دوم مورد ممنوع المضاف را اول ذکر کرد  
 یعنی اسم سوم مضاف الیه است و به همین طرز جلوی رویم (و به همین ترتیب) ادامه می دهیم تا زمانی که به اسمی برسیم که مورد  
 ممنوع المضاف را رعایت نکند در این صورت این اسم مضاف نمی باشد و ترجیحی را مضاف قطع خواهد شد

اسم	م. الیه	م. الیه	م. الیه	مضاف
اسم مضاف الیه	✗	✓	✓	شرایط مضاف ✓
	مضاف	مضاف		

**تذکره ۱:** بین مضاف و مضاف الیه در یک ترکیب اضافی هیچ فاصله ای نمی افتد بنابراین در تعیین و تشخیص ترکیب اضافی مضاف و مضاف الیه عیناً پشت سر هم و بدون فاصله می آیند.

**تذکره ۲:** یکی از بهترین راه های تشخیص ترکیب کلمات اضافی استقاضه از ترجمه فارسی است بنابراین ابتدا ترجمه ای

ترکیبی را که می خواهیم اضافی بگیریم بررسی کنیم پس اضافی بگیریم بدین منظور در ترجمه فارسی کسره در بین  
 اسم را بردارید و آخر ترکیب است قرار دهید اگر ترکیب معنی نداد یعنی اضافی و اگر معنی داد یعنی وصفی است

\* راه ساده تر این است که در ترکیب اسمی به سراغ اسم دوم برویم اگر اسم دوم معنی وصفی داشت ترکیب را  
 وصفی و اگر معنی وصفی نداشت ترکیب را اضافی بگیریم

مدیر المدرس ← مدیر مدرسه است !!  
 الرجل النظيف ← مرد پالیزه است ✓  
 (E2) معنی وصفی ✓ ← ترکیب وصفی است  
 (E2) معنی وصفی ✗ ← ترکیب اضافی است

**وصف اضافه:** زمانی که اسم پشت سر هم قرار بگیرند در صورتی که شرایط زیر برقرار باشد اسم اول  
 را موصوف و اسم دوم را مضاف می گوئیم.

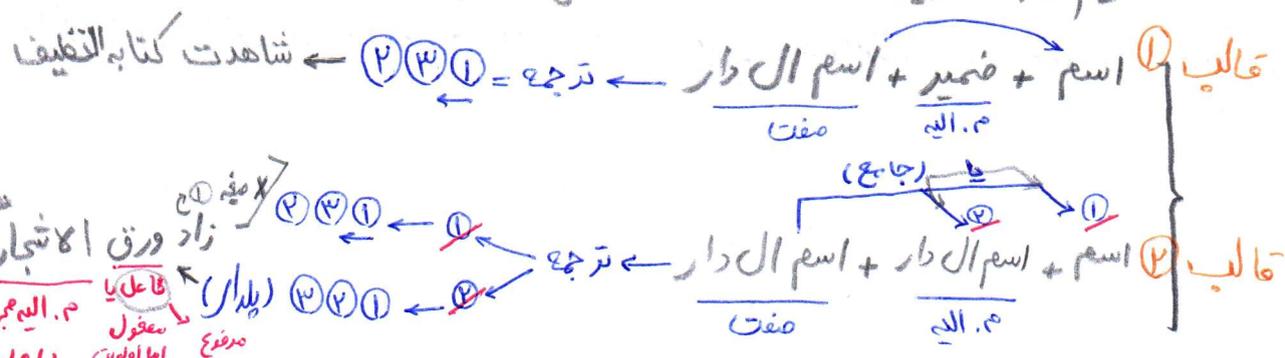
**تذکره ۱:** لزوم ندارد که بین موصوف و مضاف فاصله نباشد

**تذکره ۲:** موصوف (اسم اول) نقش نیست بلکه یک جایگاه است اما صفت نقش است ولی اعراب ثابتی ندارد  
 بلکه اعراب صفت همواره از اعراب موصوف خود تبعیت می کند.

\* نقش موصوف در جمله پیرامین می شود



- تلفیق ترکیب اضافی - وصفی : گاه اوقات برای یک اسم هم مضاف الیه و هم صفت می آوریم که در این صورت در زبان عربی اول مضاف الیه و بعد صفت می آوریم اما در ترجمه ی فارسی ابتدا صفت و پس مضاف الیه می آوریم (چون که بین مضاف الیه که فاصله نمی افتد)

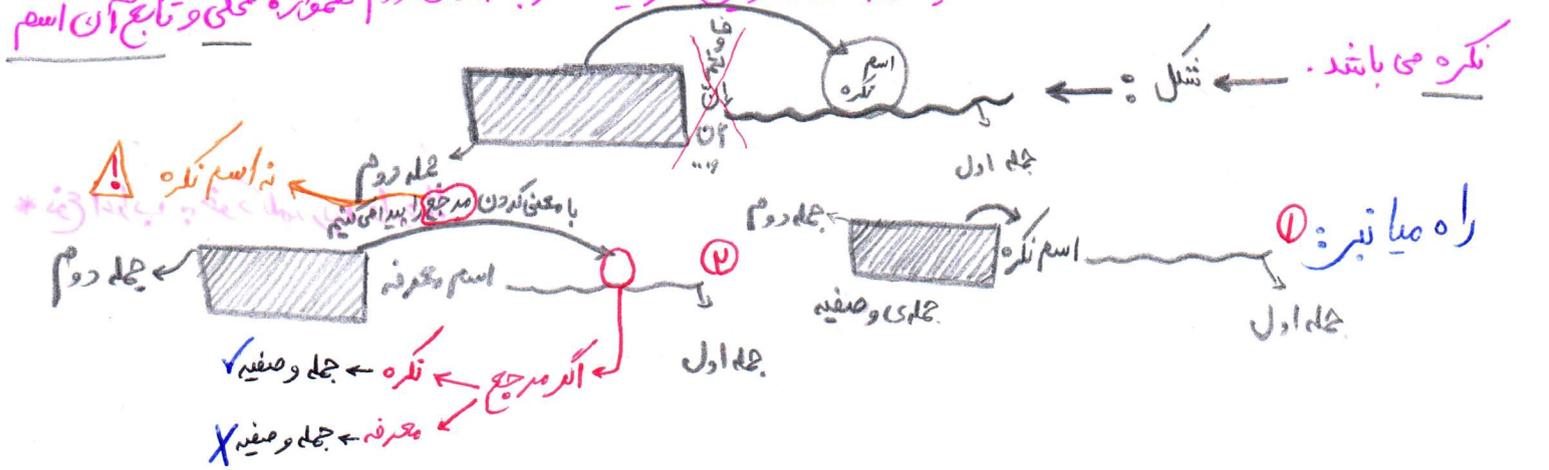


تذکره! در قالب ۲) باید بررسی کنیم که اسم ال دار آخر (در جماع) با اسم اول تطابق دارد یا با اسم دوم

که اگر به اسم اول برگردد یعنی اسم سوم صفتی برای اسم اول است و اگر اسم سوم با اسم اول تطابق داشته باشد یعنی اسم سوم صفتی برای اسم دوم است ← صفت اسم = صفت مفرد

نکات کلیدی پیرامون صفت یا نعت (موصوف و صفت) : توضیحات چهارم و پنجم : یکی دیگر از انواع صفت

صفت به صورت جمله می باشد که آن را جمله ی وصفیه می نامیم و تعریف آن به صورت زیر است : زمانی که یک جمله در انتهای جمله ی دیگر بیاید و مرجع جمله ی دوم اسمی نکره در جمله ی اول باشد جمله ی دوم را وصفیه گویند یعنی در این حالت نقش جمله ی دوم صفت یا جمله ی وصفیه می باشد که در این شرایط اعراب جمله ی دوم همواره محلی و تابع آن اسم نکره می باشد.



راه میا نبره :  
 اسم نکره  
 جمله اول  
 جمله دوم  
 جمله اول  
 جمله دوم  
 جمله اول



اعراب فعل مضارع: از آنجا که فعل مضارع عموماً معرب می باشد بنابراین در شرایط مختلف اعرابی تغییر اعراب می دهد

بنابراین باید اعراب فعل مضارع را و نحوه پذیرش اعراب آن را بررسی کنیم. لذا اعراب های فعل مضارع عبارتند از: <sup>مرفوع</sup> مرفوع / <sup>منصوب</sup> منصوب / <sup>مجزوم</sup> مجزوم

مضارع مرفوع: فعل مضارع در حالت عادی یعنی زمانی که هیچکدام از ادوات جازمه و ناصبه قبل از فعل مضارع نیستند دارای اعراب مرفوع است.

مضارع منصوب: زمانی که یکی از حروف ناصبه قبل از فعل مضارع بیاید اعراب فعل مضارع را به مضارع منصوب تغییر می دهند که عبارتند از: ان / لن / کی / لی / اذن / حتی / إذ /

مضارع مجزوم: زمانی که یکی از حروف جازمه قبل از فعل مضارع بیاید اعراب فعل مضارع را به مضارع مجزوم تغییر می دهند که عبارتند از: لم / لما / لا - ان ما من اینها اذا

اعراب فعل مضارع

اعراب فعل مضارع در حالت عادی  
اعراب فعل مضارع در حالت ناصبه  
اعراب فعل مضارع در حالت جازمه

مرفوع  
منصوب  
مجزوم

مرفوع  
منصوب  
مجزوم

مرفوع

منصوب

مرفوع

منصوب



\* مجهول کردن: تبدیل یک عمل (۱) طرفه را به یک عمل (۲) طرفه را مجهول کردن می گوئیم (فاعل نمی آید، مفعول می آید)

مکرم<sup>۳</sup> والدہ ← معلوم است  
مترشحین صفحه ۱۴

دسته بندی سوالات معلوم و مجهول در کنکور سراسری: دسته ①: در دسته ی اول سنتی که ۴ جمله ی متفاوت

در سمت راست و چپ مطرح می شوند که جمله یک سمت راست معلوم و جمله یک سمت چپ مجهول اند

برای بررسی درستی جمله که یعنی تطابق معلوم و مجهول آنها به ترتیب اولویت از نکات زیر استفاده می کنیم

۱) حتما بررسی کنید که مفعول جمله ی معلوم با فعل جمله ی مجهول از نظر جنس برابری داشته باشد در غیر این صورت گزاره خطا است  
۲) حتما بررسی کنید فاعل جمله ی معلوم در جمله ی مجهول حذف شده باشد.

۳) حتما بررسی کنید که مفعول جمله ی معلوم در جمله ی مجهول اعراب مرفوع گرفته باشد.

۴) حتما بررسی کنید که زمان فعل در جمله ی معلوم و مجهول ثابت باقی مانده باشد.

۵) اگر مفعول جمله ی معلوم ضمیر بود از قاعده شمارش استفاده می کنیم.

دسته ②: سنتی که در آنها از ما پدید می شود کدام جمله معلوم و کدام جمله مجهول است که برای پاسخ به آن داریم: ۱) اگر بتوانیم ترجمه کنیم با استفاده از ترجمه شخیص می دهیم که کدام جمله معلوم و کدام جمله مجهول است.

۲) اگر بتوانیم جمله را ترجمه کنیم بررسی می کنیم که آیا ۱ طرفه فعل ما (یعنی کننده ی کار و مفعول) هر دو آمده اند یا خیر که اگر هر دو آمده باشند آن جمله معلوم است و اگر فقط ۱ طرف ذکر شده باشد جمله مجهول است.

به تذکرات زیر دقت کنید: در صیغه کسر ۱ و ۴ ماضی و مضارع به هیچ عنوان هو و هی مستر را یک طرف فعل در نظر بگیریم اما در صیغه های ۱۳ و ۱۴ مضارع آنها و نحن را حتماً یک طرف فعل در نظر بگیریم.

در صیغه های ۱ که ضمیر بارز در فعل داریم همواره ضمیر بارز در فعل را یک طرف در نظر بگیریم.

En (نکذبت کفار الدین ← معلوم) طرف ① طرف ②  
لا یسع آن تیرک التمام الصغار ← مجهول ← یستترک طرف ①

\* در سنتی که معلوم مجهول اگر ۲ فعل در یک گزاره بود هر ۲ فعل را بررسی می کنیم که آیا ① یا ② طرف هستند. دسته ی ⑤

نواسخ

۱) افتعال ناقصه: كان صار ليس اصبح مادام مازال  
 بود شد نیت گشت مادامی که همیشه پیوسته  
 ۲) حروف مشبوه: ان بن - ان - کان - لکن - لعل - لیت  
 اول جمله وسط جمله  
 ۳) لای تفتی جنس: اول جمله وسط جمله

نواسخ  
 ↓  
 اسهید

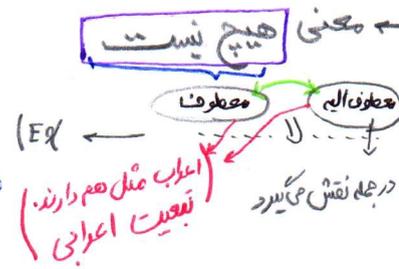
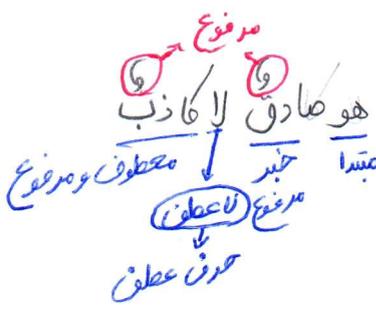
جمله المیدر: میدرا + خبیر  
 فعل ناقصه - اسم فعل ناقصه + خبر فعل ناقصه  
 عربی ۵



حرف ← لا  
 ← مثنوی ۹۰

انواع لا

لا تفتی: لا + فعل مضارع مجزوم ← لا یذهبوا  
 (معامل)  
 لا تفتی: لا + فعل مضارع (مرفوع) ← لا یذهبون  
 (غیرعامل)  
 لا تفتی جنس: لا + اسم (منسوب) ← معنی: نباید  
 (معامل)  
 لا عطف: بین ۲ عبارت قرار می گیرد.  
 (غیرعامل)  
 معنی: این است نه آن



عامل و غیرعامل: ویژگی عامل و غیرعامل یک ویژگی بسیار مهم است که عموماً در مورد حروف مطرح می شود و بدین معنا که کلمات عامل را کلمات تأیید کننده بر روی اعراب و کلمات غیرعامل را کلمات بی تأیید بر روی اعراب عبارت بعد از خود می نامیم برای مثال مهم ترین حروف عامل عبارتند از: حروف ناقصه - حروف جازمه - ادوات مشبوه و حروف جبه و حروف مشبوه و ... و مهم ترین حروف غیرعامل عبارتند از حروف عطف (لا - ف - تم - بل - لای تفتی (لا - لا) - مای تفتی (ما - ما) و ...  
 پدایید: من و مای شرط عامل و من و مای موصول غیرعامل هستند

کسری عارضی:

هرگاه انتهای یک کلمه ساکن و ابتدای کلمه ی بعد «ال» داشته باشیم همواره برای راحتی تلفظ این ساکن تبدیل به کسره می شود که این کسره را کسری عارضی می گوئیم و بدانید که برای تحلیل قواعدی کسره را تبدیل به ساکن کنید و با ساکن سوال راجل نمایید. (Ex) اصیبت الا وضاع مناسبتاً.  
 کسره عارضی و مرفوع  
 اسم اصبع و مفعول  
 خبر اصبع و مفعول

نواسخ: به معنی نسخ کنند و برهم زنده است و بر ابتدای جمله اسمیه وارد می شود و تغییراتی در ارکان جمله اسمیه ایجاد می کند

وجه رادراستها اسمیه باقی می گذارد. دسته ی اول نواسخ افعال ناقصه می باشند که برای ابتدای جمله اسمیه وارد می شوند و مبتدا را به

اسم فعل ناقصه تبدیل می کنند (با اعواب مرفوع) و خبر را به خبر فعل ناقصه تبدیل می کنند (با اعراب منصوب) که عبارتند از: کان / همارا / لیس / اصبح

ماداً ۱۴ / ما زال (EX) - المسلم عالم ← کان المسلم عالم (EX) - المسلمون منصرفون ← کان المسلمون منصرفون (EX) - هم مسلمون ← کانوا مسلمین

(EX) المسلمات منصرفات ← کانت المسلمات منصرفات (EX) - هم مسلمون ← کانوا مسلمین (اسم فعل ناقصه)

نکته تکمیلی ۱: زمانی که در جمله اسمیه، مبتدا ضمیر منفصل رفعی باشد ← در حضور افعال ناقصه این ضمائر تبدیل به ضمائر متصل رفعی موجود در صورت فعل می شود و وقت کنند که این ضمیر متصل رفعی موجود در صورت فعل ناقصه می شود نقش اسم فعل ناقصه می شود.

نکته تکمیلی ۲: یادآوری قاعده ی مشابه: اسم فعل ناقصه در فعل ناقصه کاملاً مشابه با فاعل در فعل معلوم می باشد لذا تماماً ویژگی های

نمودی پیدا کردن اسم فعل ناقصه مانند فاعل محاسبه بنا بر این هنگام پیدا کردن اسم فعل ناقصه فرض کنید که دنبال فاعل محاسبه و با استفاده از ویژگی های فاعل، آن را پیدا کنید و در انتها به جای آنکه آن را فاعل بنا مییم، به آن اسم فعل ناقصه محاسبه

برخی ویژگی های اسم فعل ناقصه: ۱- مرفوع باشد ۲- دارای سه نوع اسامی: ضمیر بارز، اسم ظاهر، ضمیر مستتر

۳- بعد از فعل ناقصه می آید ۴- یکبار است ۵- در جنس باید با فعل ناقصه مطابقت داشته باشد و برای پیدا کردن آن در صفت های اوزم باید از قاعده ی (۷ و ۸) عربی استفاده کرد

تذکره: همانگونه که در فعل خبری عادی در صفت های ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضاعف و ۱۵ امر مخاطب فاعل همواره ضمیر مستتر می شود در افعال

ناقصه نیز در صفت های ۷ و ۱۳ و ۱۴ مضاعف و ۱۵ امر مخاطب اسم فعل ناقصه همواره ضمیر مستتر می شود مانند

EX کانوا ملتزمین / EX کن مسلماً / اسم کان ملتزمون / نقش فاعل یا اسم فعل ناقصه را می ببرد

فعل کننده ی کار / فعل کننده ی کار / جمع / منتهی / خبر کان / کانوا منصرفین / خبر کان

نقش فاعل یا اسم فعل ناقصه را نمی ببرد / خبر جمله ی اسمیه محلاً مرفوع / خبر مستتر / اسم ما را

خبر مقدم در حضور افعال ناقصه: از آنجا که آمدن افعال ناقصه در ابتدای جمله، جمله را اسمیه باقی می گذارند بنابراین در حضور

افعال ناقصه نیز می توان خبر مقدم داشته باشیم در این شرایط خبر مقدم محلاً منصوب و اسم موعر را مرفوع می گذارد

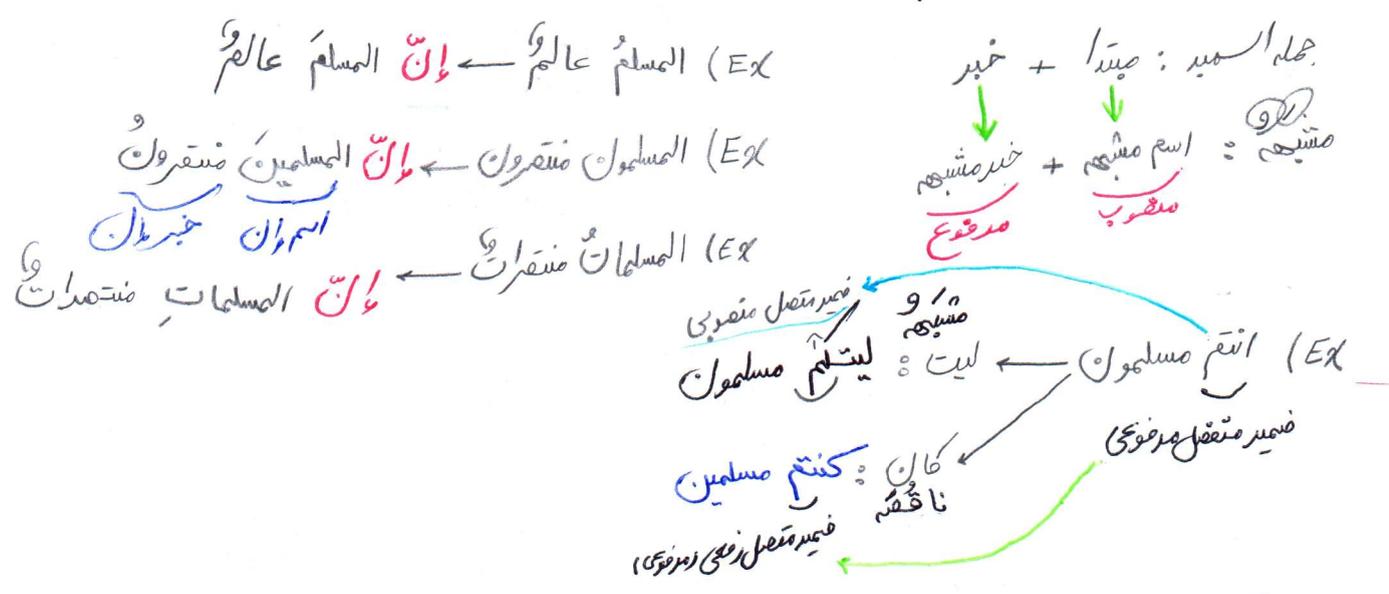
شرایط خبر مقدم: ۱- اسمی باشد ۲- شبیه جمله در ابتدا / تکمیل کننده ی جمله ۳- شبیه جمله در ابتدا / شبیه جمله نقش به سزایی در معنا داشته باشد و اگر آن را حذف کنیم معنای جمله ناقص می شود

EX کان فی بیان / نامیده / اسم موعر مرفوع / خبر مقدم محلاً منصوب

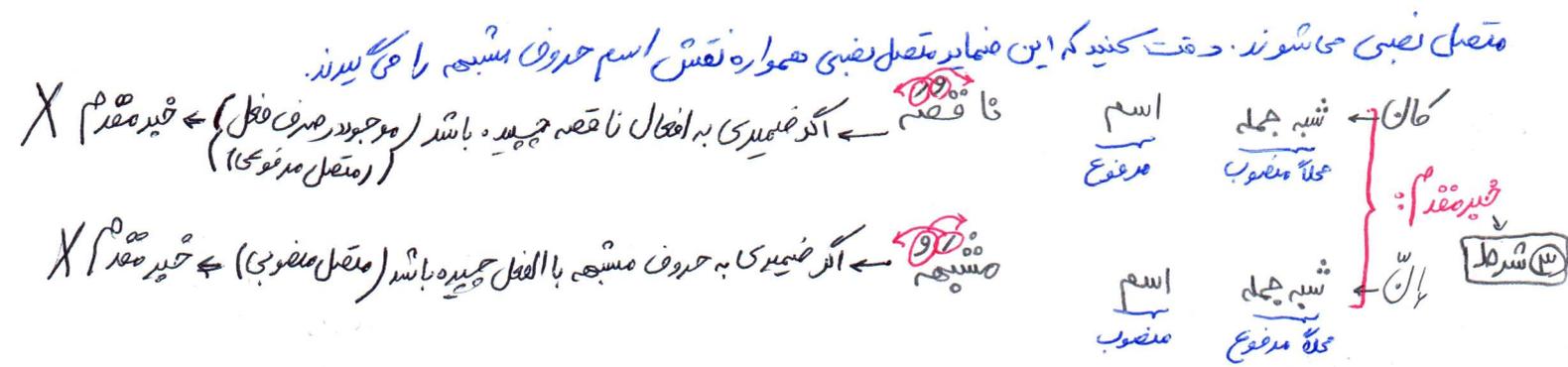
تذکره: زمانی که افعال ناقصه ضمیر بارز وجود داشته باشد به هیچ عنوان خبر مقدم در کار نیست زیرا آن ضمیر بارز موجود در فعل نقش اسم فعل ناقصه را می پذیرد و دیگر خبر مقدم نمی شود.

۷ حروف مشبّهة بالفتحة: دستة‌ای دوم نواسخ حروف مشبّهة بالفعل هستند که ابتدای جمله‌ای اسمی وارد می‌شوند و مستدارا

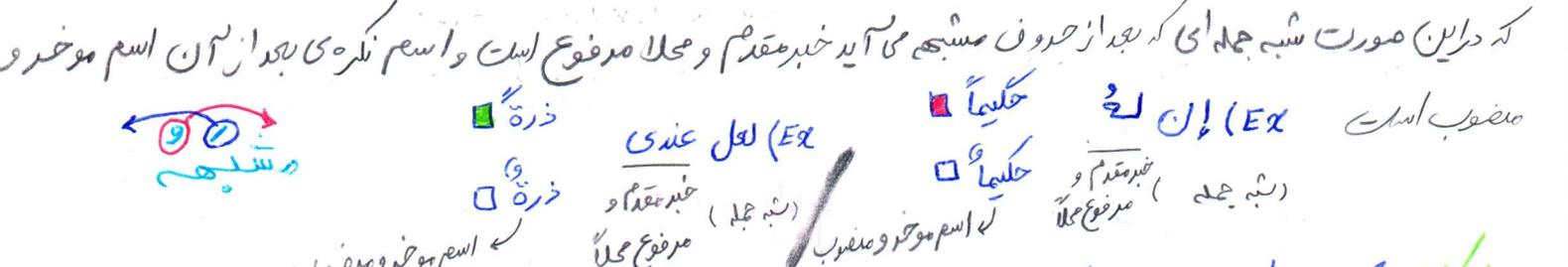
تبدیل به اسم حروف مشبّهة و منصوب می‌کنند و خبر را به خبر حروف مشبّهة و مرفوع می‌کنند بنابراین از این پس آن‌ها را حروف مشبّهة می‌گوییم و آن‌ها عبارتند از: **إِنَّ - أَنْ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - لَعَلَّ - لَيْتَ**



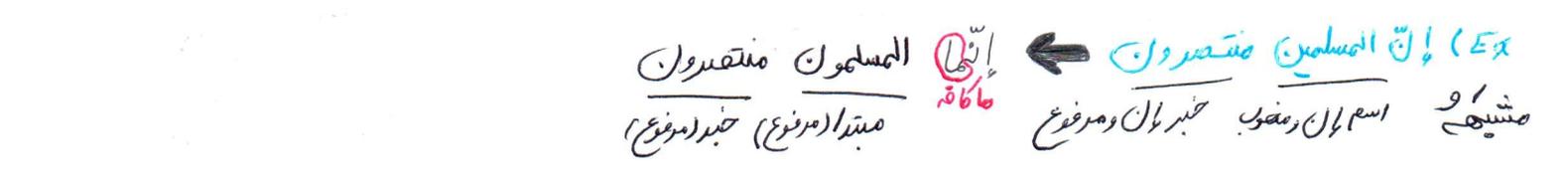
نکات تکمیلی: هرگاه مبتدا در جمله‌ای اسمی ضمیر متصل مرفوعی باشد در حضور حروف مشبّهة این ضمیر تبدیل به ضمیر متصل نصبی می‌شوند. دقت کنید که این ضمیر متصل نصبی همواره نفس اسم حروف مشبّهة را می‌گیرند.



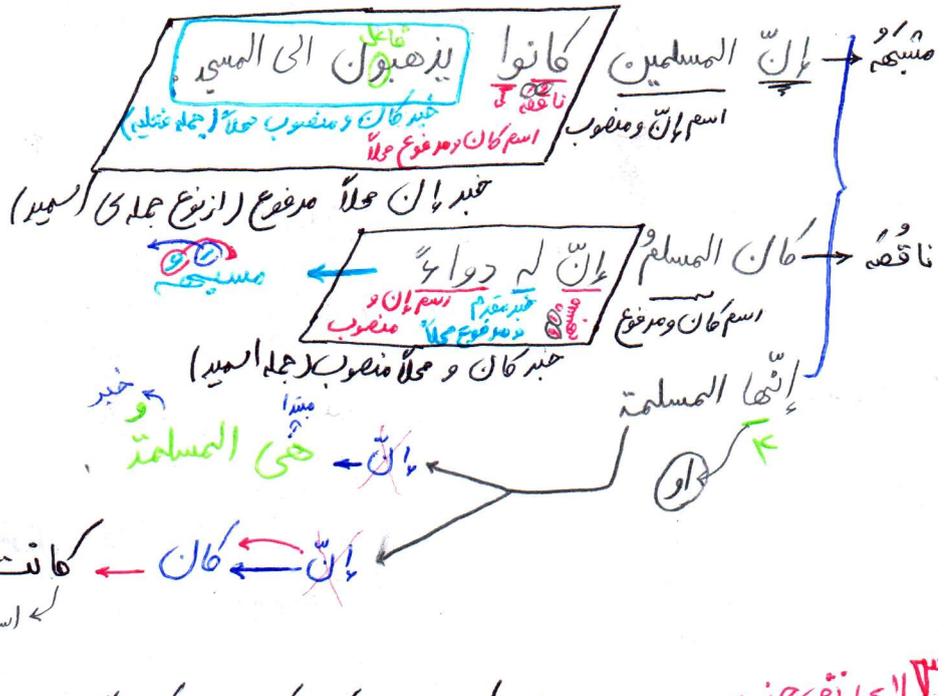
خبر مقدم در حضور حروف مشبّهة: دقت کنید دلیل یک شبهه جمله بعد از حروف مشبّهة ذهن ما را به سمت خبر مقدم می‌برد که در این صورت شبهه جمله‌ای که بعد از حروف مشبّهة می‌آید خبر مقدم و محلا مرفوع است و اسم نکره‌ای بعد از آن اسم موصوف و منصوب است.



ما كانه: یکی از انواع (ما) می‌باشد که دقیقاً بعد از نواسخ (ان) و (ان) می‌آید و خاصیت آن‌ها را از بین می‌برد و آن‌ها را به اسمی ساده (مبتدا مرفوع) و خبر (مرفوع) تبدیل می‌کند که این (ما) حرف محسوب می‌شود.



نکته تکمیلی ۳: ترکیب ناقصه و مشبهه با هم در یک جمله:

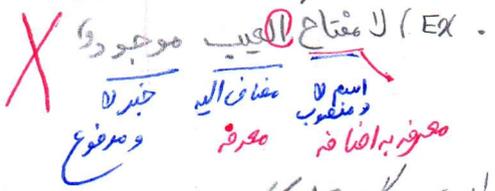


۳ لای نفس جنس: دسته‌ی سوم نواسخ هستند که عملکرد آن کاملاً شبیه حروف مشبهه است یعنی اسم آن منصوب و خبر آن مرفوع است اما اسم لای نفس جنس ویژگی‌های منفردی دارد که به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

ویژگی‌های اسم لای نفس جنس: ۱) اسم لای نفس جنس به هیچ عنوان ال و تنوین نمی‌گیرد.

لا	خبر موجود
لا	اسم لا
لا	منصوب
لا	مرفوع

۲) اسم لای نفس جنس به هیچ عنوان معرفه نمی‌باشد یعنی اسم لای نفس جنس ضمیر موصول، اشاره و ذم و معرفه به اضافه نیست. (Ex) لا مفتاح لاغیب موجود



۳) از آنجا که جایگاه اسم لای نفس جنس یک جایگاه مبنی می‌باشد بنابراین هر اسمی که در این جایگاه قرار بگیرد به واسطه‌ی بودن لای مبنی می‌شود لذا اسم لای نفس جنس همواره مبنی بر فتح است و اعراب آن عملاً منصوب است.

۴) نکته‌ی تریزیم: ترجمه‌ی لای نفس جنس هیچ نیت نمی‌آید. (Ex) خبر لا - مرفوع

۵) بین لا و اسم لا هیچ فاصله‌ای نمی‌افتد. (Ex) اسم لا - مبنی بر فتح

۶) گاهی خبر لای نفس جنس می‌تواند از جمله حذف شود که این اتفاق در شرایط زیر می‌افتد: الف) اگر بلافاصله بعد از لا ال بیاید - (لا + اسم لا + ال) (Ex) لا اله الا الله - هیچ خبری جز الله نیست ب) اگر بلافاصله بعد از اسم لا و جمله تمام شود (Ex) لا بأس - هیچ استثنائی ندارد (نیت) - (لا + اسم لا) ج) تمام (Ex) لا حول الا قوة الا بالله - خبر محذوف (علاً منصوب) اسم لا خبر محذوف